اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۵۵
دوره دوم
دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۵۹
بها ۱۵ ریال

غفلت نکنیم

مجلس شورای اسلامی با تصویب پیشنهاد کمیسیون ویژه دربارهٔ شرایط آزادی گروگانهای جاسوس آمریکایی به جنبهٔ جنجالی قضیه که یک سالی درسراسرجهان سرمایه‌داری دستاویز لجام گسیخته‌ترین تبلیغات منفی بر ضد انقلاب و بر ضد جمهوری اسلامی ایران شده بود پایان داد.

این شرایط که در جامعیت خود با دقت و دورنگری تدوین شده است تکلیف را بر همه روشن کرده جای ابهامی درآنچه ملت ایران، به استناد دو اصل استقلال و حاکمیت ملی، حق خود می‌داند و درباره‌اش حاضر به هیچ گذشتی نیست باقی نمی‌گذارد. اکنون بر دولت آمریکاست که با پذیرفتن بی کم و کاست این شرایط و عمل بدان — و پیش از همه، عمل به این شرط اساسی که آمریکا "باید تعهد و تضمین نماید که از این پس هیچگونه دخالت مستقیم و غیر مستقیم سیاسی و نظامی در امور جمهوری اسلامی ایران ننماید" — آزادی جاسوسان خود را امکان‌پذیر سازد. بنا بر این، مسئولیت امر از این پس بر عهدهٔ آمریکاست، و در صورت استنکاف و سرسختی از جانب آمریکا که موجب ادامهٔ بازداشت جاسوسان خواهد بود، این حکومت واشنگتن است که باید پاسخگوی افکار عمومی جهان باشد. ظاهرا برهمین اساس هم دولت آقای رجائی، از طریق سفیر الجزایر، شرایط مصوب مجلس را سریعا به مقامات آمریکایی ابلاغ کرد و خواستار شد که پاسخ واشنگتن بی‌درنگ و به صراحت اعلام شود و در رسانه‌های گروهی به اطلاع مردم سراسر جهان برسد. اکنون کار در سطح دیپلماسی دو دولت قرار گرفته است، بویژه که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نیز وظیفهٔ خود را در نگهبانی گروگان های جاسوس پایان یافته اعلام کرده آنان را به دولت تحویل داده‌اند. چنین می‌نماید که همهٔ موانع — دست کم از سوی ایران — برطرف شده است و اینک، در اجرای شرایط مصوب مجلس شورای اسلامی و در چارچوب مشخص این شرایط که تفکیک‌پذیر نیست و همه با هم باید پذیرفته شود، دولت ایران باید ترتیب آزادی گروگانها

صفحه ۶

ما دشمنیم با شیطان
چه با کار ترچه ریگان

این شعار انقلابی که جمعهٔ گذشته از حلقوم صدها هزار نماز گزار مصمم فریاد می‌شد و سینهٔ هوا را می‌شکافت، نشانه زنده هوشمندی خلقی بیدار، رزمنده و ضد امپریالیست است که با ذوق لطیف و موزونی، قصد و ارادهٔ پایداروبی تزلزلش را در مبارزه با **"شیطان بزرگ"** به گوش ها می‌رساند و پردهٔ پندار بافی های خامان عوامفریب و سازشکار را درفرو مردن شور انقلابی مردم از هم می‌دراند.

مردم سالهاست که دشمن اصلی خود را شناخته‌اند و همهٔ عقب ماندگی ها، فقر، مصیبت، بیکاری و وابستگی اقتصادی — شان را از این دشمن خونخوار که امپریالیسم آمریکاست، می‌دانند.

غلیان و جوشش انقلابی توده‌های میلیونی مردم در برگزاری روز شکوهمند ۱۳ آبان در جاسوسخانهٔ آمریکا یکبار دیگر عزم آنها را به ادامهٔ مبارزه با این جهانخوار نشان داد و این همه به درستی در کلمات و جملات سخنرانان انعکاس یافت.

حجت الاسلام موسوی خوئینی‌ها در پاسخ به ندای رهبر انقلاب و خلق پیکارجوی ما گفت: **"بدانید، بدانید، بدانید که آمریکا دشمن اصلی ماست، آمریکا دشمن شمارهٔ یک ماست، نیاید آن روز که شعار مرگ بر آمریکا، از زبان ما بیفتد، نکند با شعار دیگر، جای شعار مرگ بر آمریکا را پرکنند".**

این تشویش بی جهت نیست، دست‌های آشکار و شناخته‌ای درکار است که می کوشد **"شعار دیگری"** را جانشین شعار **"مرگ بر آمریکا"** سازد.

این دست ها از آن سازشکاران و نیمه راهان است. آنها به سبب تنگ نظری‌های طبقاتی نمی‌خواهند و اگر بخواهند

صفحه ۲

سرود برای آزادی

جعفر کوش آبادی

صفحه ٦

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نخستین انقلاب پیروزمند ضد امپریالیسم جهان

۶۳ سال از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر می‌گذرد. این انقلاب عظیم‌ترین رویداد قرن بیستم و نقطهٔ عطف بنیادی در تاریخ بشریت است. انقلاب اکتبر دگرگونی‌های ژرف انقلابی جهان را به ارمغان آورد و به گردانهای جنبش کارگری جهانی و مبارزهٔ خلقهای ستمدیده برای پیشرفت اجتماعی و رهایی ملی توان و تحرک نیرومندی بخشید. با پیروزی انقلاب کارگری اکتبر ۱۹۱۷ عصر نوینی در تمدن جهانی گشوده شد و تاریخ بشریت اضمحلال ابدی نظامهای استثمارگرانه و ساختمان جامعهٔ بی‌طبقه، آزاد، سربلند و انسانی را بشارت داد.

هزاران سال تمدن انسانی بر اساس استثمار وحشیانه توده‌های زحمتکش: بردگان، دهقانان و مزدوران توسط طبقات فرمانروای برده‌داران، اشراف زمیندار و سرمایه‌داران شالوده ریزی شده بود و اشکال گوناگون استثمار جانشین یکدیگر می‌شد.

زحمتکشان جهان قرن ها در زیر تازیانهٔ طبقات استثمارگر دست و پا می‌زدند. از لحاظ تاریخی و روند تکامل جامعهٔ بشریت روزنه‌ای برای رهایی از قید ظلم و استثمار دیده نمی‌شد. انقلابات بورژوایی نظم کاست های فئودالی را درهم نوردید و اشکال ظریف استثمار کار مزدوری را جانشین استثمار ماقبل سرمایه‌داری ساخت. سرمایه‌داری که موجب رشد بی‌سابقهٔ نیروهای مولده شده بود، وسایل تولید نیرومندی بوجود آورد. این نظام مانند همهٔ نظام های استثمارگرانهٔ گذشته نتوانست نیازهای حیاتی زحمتکشان، اشتغال کامل و پیشرفت جهان را در صلح و سعادت فراهم آورد. این نظام استثمار انسان از انسان را هر چه بیشتر تشدید نمود و نابرابری و تضادهای آشتی ناپذیر بین ملت های ستمدیده و ستمگر را افزایش داد و باعث برانگیختن جنگ های متعدد در مقیاس جهانی گردید.

صفحه ۵

انحصارات ژاپن در همکاری با نژادپرستان

ژاپن به منظور توسعه طلبی در کشورهای نوپای آفریقایی به هیچ وجه مایل نیست که با همکاری خیلی آشکار با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به روابط خود با کشورهای مذکور لطمه وارد کند. ژاپن با دقتی بیشتر از دولتهای غربی به پرده‌پوشی این روابط می‌پردازد و تلاش می‌کند که این طور وانمود کند که در این جا موضوع عبارت از مصالحهٔ بین منافع اقتصادی و سیاسی فرضا متضاد کشور است. درحقیقت، پشت این عبارات مطنطن یک موضع‌گیری امپریالیستی نهان است. حکومت ژاپن لفظا به محکوم کردن نژادپرستی در همهٔ اشکال آن می‌پردازد و از جنبش های رهایی بخش ملی در جنوب آفریقا پشتیبانی می‌کند. در توکیو اعلام شد: **"ژاپن عمیقا از این که در عصر ما بسیاری از خلقهای آفریقا قربانی سیاست تبعیض نژادی و استعمارند، ابراز انزجار نموده و در حدود امکان (یک احتیاط با معنا) بر ضد این سیاست ضد بشری اعتراض می‌نماید و عدالت و بشردوستی را وجههٔ همت خود قرار می‌دهد"** (کیزه هیورون، ۱۹۷۵، شمارهٔ ۴، ص ۹۸) همچنین اعلام شده است که ژاپن به منع صدور اسلحه و تجهیزات به جمهوری آفریقای جنوبی که از جانب سازمان ملل متحد مقرر گردیده احترام می‌نهد و سرمایه‌گذاری خصوصی در کشور مذکور و همکاری فنی با آن را قدغن کرده است.

علی‌رغم این رجزخوانی ها، سیاست حکومت ژاپن نسبت به آفریقای جنوبی عملا دفاع از رژیم‌های استعماری و نژادپرستی است. نمونهٔ این سیاست در سازمان ملل متحد در کوشش هیات نمایندگی ژاپن در جلوگیری از مجازات اقتصادی این کشور که به پایه‌های روابط ژاپن و آفریقای جنوبی لطمه وارد می‌آورد، دیده شده است.

صفحه ۳

از سلسله قطعنامه‌های
پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح
(صوفیه ۲۷ — ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰)

قطعنامه پشتیبانی از تشکیل کنفرانس دربارهٔ تشنج زدائی نظامی و خلع سلاح در اروپا

پارلمان جهانی ملت ها برای صلح، با آگاهی بر این که به تلاش های بیشتری از سوی دولت ها و ملت های اروپا برای متوقف ساختن انباشت سلاحها و نیل به پیشرفت واقعی در زمینهٔ خلع سلاح نیاز هست، از پیشنهادهای مربوط به تشکیل کنفرانسی دربارهٔ تشنج‌زدایی و خلع سلاح در اروپا کاملا پشتیبانی می‌نماید.

کنفرانس باید تصمیمات مثبتی در زمینهٔ تشنج‌زدایی نظامی ارائه کند. تصمیم به دعوت این کنفرانس که آغاز مرحلهٔ مهم تازه‌ای در روندی خواهد بود که در هلسینکی برای تحکیم امنیت و خلع سلاح و تشنج زدایی و ایجاد یک منطقهٔ صلح و امنیت در اروپا پدید آمده است، باید از سوی کشورهای امضاء کنندهٔ سند نهایی هلسینکی در گردهمایی شان در مادرید گرفته شود.

پارلمان جهانی ملت ها برای صلح از پیشنهاد دولت جمهوری خلق لهستان مبنی بر تشکیل این کنفرانس در ورشو حسن استقبال نموده از آن پشتیبانی می‌کند.

اروپا سی و پنج سال بدون هیچ برخورد عمده بسر برده است. بگذار که این وضع دوام یابد!

انباشت سلاح‌های هسته‌ای و سنتی و دیگر وسایل کشتار جمعی را متوقف کنید!

از پیشنهاد تشکیل کنفرانس دربارهٔ تشنج‌زدایی نظامی و خلع سلاح در اروپا جانبداری کنید!

صفحه ۲

قطعنامه درباره‌ٔ نظام اقتصادی جدید بین‌المللی و نقش شرکتهای چندملیتی

۱ــ فعالیت شرکت‌های چندملیتی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، مالی و بازرگانی گسترش عظیمی را در بخش بزرگی از جهان نشان می‌دهد.

۲ــ استقرار یک نظام اقتصادی جدید بین‌المللی وظیفه‌ٔ عمده‌ای است که به منظور جبران بیعدالتی‌ها و نابرابری‌های نظام کنونی اقتصاد جهانی در برابر جامعه‌ٔ بین‌المللی قرار دارد. در عرصه‌های مختلفی همچون بازرگانی، امور مالی کالاهای مصرفی، مواد خام، تکنولوژی و جریان صنعتی شدن لازم است که یک نظام اقتصادی جدید بین‌المللی دسترسی و سهم و مشارکت کشورهای رو به رشد را در اقتصاد جهان به صورتی منصفانه تامین کند و بدین منظور به آنها کمک شود تا به رشد اقتصادی مستقل دست یابند و درآمد واقعی شان از بابت صادرات بهبود و افزایش یابد.

۳ــ تلاش برای استقرار نظام اقتصادی جدید بین‌المللی ناگزیر با منافع شرکت‌های چندملیتی که از هرگونه نظارت برای لگام زدن بر فعالیت‌های استثمارگرانه‌شان سرباز می‌زنند تصادم پیدا می‌کند.

شرکت‌های چندملیتی، برای رسیدن به هدف خود که همانا به دست آوردن حداکثر سود است، می‌کوشند تا امتیاز تعیین قیمت‌ها را برای خود حفظ کنند، به بهره‌کشی از نیروی کار، مواد خام و مواد معدنی ارزان ادامه دهند، و اعتبارات مالی و تکنولوژی را با شرایطی که خود می‌خواهند در اختیار کشورهای رو به رشد بگذارند. شرکت‌های چندملیتی در کشاندن سیاستمداران محلی و مدیران دولتی و دیگران به راه رشوه‌خواری و فساد، در سرنگون ساختن دولتها بدان گونه که در شیلی کردند، در پشتیبانی از رژیم‌های نژادپرست مانند آفریقای جنوبی و در اقدام به نقشه‌های خطرناک مانند کمک به آفریقای جنوبی و اسرائیل برای دستیابی به نیروی هسته‌ای تردیدی به خود راه نمی‌دهند. آنان، در همکاری با کمیسیون سه‌جانبه، به صورت تهدیدی خطرناک برای استقلال سیاسی، پیشرفت و صلح که لازمه‌ٔ استقرار یک نظام اقتصادی جدید بین‌المللی است جلوه‌گر می‌شوند.

۴ــ همکاری روزافزونی که در زمینه اقتصادی میان شرکت‌های چندملیتی و پاره‌ای محافل در چند کشور رو به رشد وجود دارد، نگرانی فزاینده‌ای را موجب می‌شود، بویژه از آن رو که در روند صنعتی شدن و ایجاد یک زیربنای مدرن و، بالاتر از همه، در تحقق اشکال تازه‌ٔ پیشرفت تکنیکی و علمی اخلال می‌کند. واضح است که اگر این چنین روند همکاری گسترش بیشتری یابد، نتایج بسیار وخیمی برای کشورهای رو به رشد به بار خواهد آورد، زیرا آنان همچنان در تبعیت از منافع سلطه‌گرانه‌ٔ شرکت‌های چندملیتی باقی خواهند ماند.

۵ــ شرکت‌های چندملیتی در رشد هماهنگ کشورها برحسب ویژگیهای فرهنگی و ملی خود دخالت می‌کنند. شیوه‌های بازاریابی و تبلیغات شان اولویت‌های رشد ملی را به هم می‌ریزد و چنان عادات مصرف و شیوه‌های زندگی به وجود می‌آورد که با منافع مردم کشورهای رو به رشد مغایرت دارد.

۶ــ شرکت‌های چندملیتی ستون فقرات قدرت اقتصادی و مالی کشورهای امپریالیستی و متحدان شان را تشکیل می‌دهند، و از این روست که این کشورها در کار تصویب تدابیر سازمان ملل متحد و دیگر سازمانهای بین‌المللی برای پایان دادن به روش‌های منفی شرکت‌های چندملیتی مانع می‌تراشند و آن را به تعویق می‌اندازند.

۷ــ شرکت‌های چندملیتی در فعالیت‌های مختلف پنهان و آشکار خود همان اعمال استعمار گذشته را ادامه می‌دهند. آنها در کشورهای اصلی خود نیز مردم زحمتکش را به کساد اقتصادی عمیق‌تر و شرایط کار و زندگی پایین‌تر از حد نصاب سوق می‌دهند و مقررات سخت‌تری را در زمینه‌ٔ حقوق دموکراتیک بر آنها تحمیل می‌کنند.

۸ــ شرکت‌های چندملیتی، به این یا آن صورت، به هر حال مسئول عدم اجرای پیشنهادهای مصوب سازمان ملل متحد و ارگانهای تخصصی آن که مسئولیت این شرکت‌ها را از بابت تشدید مسائل مبتلا به انبوه میلیونها انسان افشا می‌کنند می‌باشند، ــ میلیونها انسانی که در نتیجه‌ٔ بیکاری، تورم، آلودگی محیط زیست و غیره از گرسنگی و بیسوادی و فقدان مسکن و مواظبت‌های بهداشتی رنج می‌برند.

۹ــ پی‌آمد دیگر فعالیت‌های این شرکت‌ها فرار مغزها از کشورهای رو به رشد می‌باشد.

۱۰ــ شرکت‌های چندملیتی تولید سلاح مرتبا با تبدیل صنایع نظامی به صنایع تولیدی مسالمت‌آمیز مخالفت ورزیده‌اند. تبدیل صنایع تسلیحاتی، به صورتی که با نیازمندیهای تکنولوژیکی جهان رو به رشد مطابقت داشته باشد، امکانات گسترده‌ای در زمینه‌ٔ اشتغال به کار در هر دو بخش پیشرفته و رو به رشد جهان به وجود خواهد آورد.

۱۱ــ شرکت‌های چندملیتی قدرت واقعی سیاسی و اقتصادی خود را از راه نظارت بر رسانه‌های گروهی و زیر نفوذ خود گرفتن این رسانه‌ها در همه‌ٔ کشورهایی که در آن فعالیت دارند از دیده‌ٔ افکار عمومی پنهان می‌دارند.

با توجه به نکات یاد شده،

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح:

ــ از همه دعوت می‌کند تا اعمال زیانبخش و خطرناک شرکتهای چندملیتی را که مانع استقرار نظام اقتصادی جدید بین‌المللی هستند فاش سازند. این دعوت بویژه خطاب به ملت‌ها و سازمانهای مربوط کشورهایی است که پایگاه‌های عملیاتی اصلی شرکت‌های چندملیتی در آن قرار دارد، یعنی کشورهایی با اقتصاد متکی بر فروش فرآورده‌های صنعتی.

ــ پارلمان بر آن است که همه‌ٔ کشورهایی که شرکت‌های چندملیتی بر ضد منافع حیاتی شان عمل می‌کنند حق دارند و موظف‌اند نظارت شدیدی را در مورد آنها اعمال کنند.

ــ پارلمان از کشورهای رو به رشد دعوت می‌کند تا کلیه‌ٔ قراردادها و موافقت‌نامه‌های خود را با شرکتهای چندملیتی مورد بررسی انتقادی قرار دهند.

کشورهای دارای منابع طبیعی مانند نفت، مس، بوکسیت، نیکل، آهن و غیر آن تلاشهای شایان تحسینی برای تشکیل و تحکیم اتحادیه‌های صادراتی به عمل می‌آورند تا کنترل انحصاری شرکت‌های چندملیتی را درهم شکنند و خود قیمت‌های عادلانه مقرر کنند، بازرگانی را ثبات بخشند و در نتیجه رشد مستقل خود را تقویت و منافع ملی شان را استیفا کنند.

پیوستگی کشورهای رو به رشد، و پیش از هر چیز در زمینه‌ٔ تولید و همکاری علمی ـ تکنیکی، یک روند موثر و ضروری برای تسریع رشد اجتماعی و اقتصادی است، به شرط آن که فعالیت‌ها و منافع شرکت‌های چندملیتی الهام‌بخش آن نبوده تحت اداره یا نظارت آنها به اجرا درنیاید. انگیزش در راستای همکاری متقابل و پیوستگی کشورهای رو به رشد، در صورت توجه کشورهای عضو اوپک به این نکته که افزایش قیمت نفت اثرات زیانبخشی بر اقتصاد کشورهای رشدیابنده‌ای که عضو اوپک نیستند دارد و در صورت اقدام فوری شان برای جبران این اثرات، می‌تواند به میزان زیادی تقویت شود.

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح پایان دادن به تبلیغات جنگی را که از سوی امپریالیسم و شرکتهای چندملیتی صورت می‌گیرد طلب می‌کند. شرکتهای چندملیتی تولیدکنندگان عمده‌ٔ سلاح‌اند و از فروش سلاحها و از مسابقه‌ٔ تسلیحاتی و سیاست نظامیگری کشورها در اکناف جهان سودهای بسیار کلانی به دست می‌آورند.

پارلمان برای تصمیمات مصوب سازمان ملل متحد به منظور پایان دادن به اعمال منفی شرکتهای چندملیتی و استقرار یک نظام جدید بین‌المللی اهمیت بزرگی قایل است و از به اجرا درآمدن واقعی منشور حقوق و وظایف اقتصادی کشورها که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است صمیمانه جانبداری می‌کند. هیچ بهانه‌ای ــ از جمله بحران ادعائی انرژی ــ که از سوی کشورهای پیشرفته‌ٔ سرمایه‌داری به منظور توجیه تاکتیکهای خود برای به تعویق انداختن استقرار یک نظام اقتصادی جدید بین‌المللی پیش کشیده می‌شود پذیرفتنی نیست. جبراً یک آیین‌نامه‌ٔ بین‌المللی شیوه‌ٔ کار باید درباره‌ٔ شرکتهای چندملیتی به اجرا درآید. این منظور ــ همچنان که در مورد حقوق و وظایف اقتصادی کشورها عمل شده است ــ با تصویب آیین‌نامه از سوی مجمع عمومی سازمان ملل به دست خواهد آمد.

برای آن که افکار عمومی و سازمان‌های غیردولتی قادر باشند سهم سازنده‌ای در مبارزه با فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی داشته باشند، پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح پیشنهاد می‌کند که تبلیغات بسیار وسیع‌تری درباره‌ٔ کارها و تصمیم‌های ادارات ذی‌صلاح سازمان ملل، بویژه کمیسیون و مرکز مربوط به شرکتهای چندملیتی، صورت گیرد.

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح تاکید می‌ورزد که استقرار یک نظام اقتصادی جدید بین‌المللی با مبارزه به منظور مقابله و درهم شکستن سیاست‌ها و اعمال غارتگرانه‌ٔ شرکتهای چندملیتی پیوند اساسی دارد. از این رو جنبش نیرومند کشورهای غیرمتعهد، کشورهای سوسیالیستی و دیگر نیروهای مترقی و خود کشورهای رو به رشد را در نبرد با اعمال غارتگری روزافزون شرکتهای چندملیتی به همکاری نزدیک فرا می‌خواند.

پارلمان جهانی ملت‌ها مبارزه جهانی به منظور افشاگری و مقابله با فعالیتهای خطرناک شرکتهای چندملیتی در همه زمینه‌ها را ضرور می‌داند. سمینارهایی در سطح ملی و محلی، گردهمایی‌ها و انجمن‌ها باید بدان منتهی گردد که یک کنفرانس جهانی سازمانهای غیردولتی درباره‌ٔ شرکت‌های چندملیتی دعوت شود.

پارلمان جهانی دعوت می‌کند تا همه‌ساله، از ۱۲ تا ۱۹ نوامبر، یک هفته‌ٔ بین‌المللی فعالیت بر ضد اعمال خطرناک شرکت‌های چندملیتی برگزار شود.

★

ما دشمنیم با شیطان

چه باکارتر چه ریگان

نمی‌توانند با دنبال کردن شعار "مرگ بر آمریکا" موافق باشند. سودجویی و خاصیت طبقاتی آنها چنین اقتضاء می‌کند. لطمه زدن جدی به امپریالیسم و ریشه‌کن کردن همه‌ٔ پیوندهای آن مستلزم چنان سیاست انقلابی است که بتدریج درخت کهنسال استثمار و نابرابری انسان‌ها را در سرزمین ما از ریشه برکند و زمینه‌های اجتماعی برابرحقوقی شهروندان ما را در همه‌ٔ ابعاد فراهم آورد.

سازشکار لیبرال منش هرگز به این "فاجعه" برای طبقه‌ٔ سودپرست و خودخواه تن در نخواهد داد. او تاکنون سوار بر گرده زحمتکشان بوده و از هزاران امتیاز بلند و کوتاه صاحب آلاف و الوف شده، حالا چگونه می‌تواند از شکوه راحت‌طلبی دل برکند و به خاطر مشتی پابرهنه، "عامی"، بیسواد از ناز و نعمت دیرینه‌اش صرفنظر نماید. این جاست که برای خود منطق می‌تراشد و با هزار سفسطه و شعبده‌بازی "قبله‌ٔ آمالش" را از زیر ضربه خارج می‌کند تا آقایی و فرمانروایی اش در امان بماند. به خاطر همین الزامات طبقاتی است که وقتی مردم فریاد برمی‌آورند:

تا دم مرگ گوییم ای مرگ بر آمریکا
نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا

او می‌گوید: **"این بیان که ما با آمریکا در حال جنگیم، هنوز یک چیز قطعی نیست... اگر امام فرموده‌اند ما با آمریکا در حال جنگیم، از نظر فکری و معنوی است ما خودمان را در جنگ با آمریکا نمی‌بینیم... (ما) مشکلات خودمان را در نظر نمی‌گیریم".**

اما امام در شانزده سال پیش مردم را به جنگ با آمریکا و طاغوت او فرا خواند و در بیان نامه‌ٔ معروف خود در سال ۱۳۴۳ خطاب به توده‌های زحمتکش فریاد برآورد:

"آمریکاست که از اسراییل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند. آمریکاست که به اسراییل قدرت می‌دهد که اعراب مسلم را آواره کند... آمریکاست که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویب‌نامه‌ٔ مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می‌کند، تصویب و اجرا کنند. آمریکاست که با ملت اسلام معامله وحشی‌گری و بدتر از آن می‌نماید".

برخلاف تصور حضرات لیبرال و دنباله‌روهای رنگارنگ آن نه مردم و نه رهبران واقعی آن جنگ با آمریکا را جنگ "فکری و معنوی" نمی‌دانند. ریشه‌کن کردن سیادت نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم فرسنگها با "جنگ" سازشکارانه و عشوه‌گرانه‌ٔ "فکری و معنوی" فاصله دارد.

درحقیقت ما اکنون نه با صدام خائن بلکه با آمریکا در جنگیم. عموسام پس از شکست توطئه‌ٔ طبس و طرحریزی کودتاهای نافرجام با اونیفورم نظامی عراق به جنگ جمهوری اسلامی ایران شتافته است. ما با آمریکا در جنگیم، این جنگ را ما نخواسته‌ایم، بلکه آمریکا برای حفظ منافع غارتگرانه‌ٔ خود و بازگرداندن طاغوت‌های جدید با ما سر جنگ دارد. به گفته‌ٔ امام خمینی ملت ما "به تبع اسلام با جنگ همیشه مخالف بوده و میل دارد که بین همه‌ٔ کشورها آرامش و صلح باشد".

مردم انقلابی وطن ما راه قطعی رهایی خود را یافته‌اند، آنها با الهام از این شعار امام: "ما تا پایان عمر با آمریکا

صفحه ۴

انحصارات ژاپن در همکاری با نژادپرستان

اختلافات ظاهری بین سیاست رسمی حکومت وسیاست انحصارات ژاپنی تنها یک پوشش است. علی‌رغم وعده‌های متعدد درمحدودیت روابط اقتصادی ژاپن وجمهوری آفریقای جنوبی، این روابط مخصوصا درقلمروتجارت که ابزاراساسی توسعه‌طلبی اقتصادی ژاپن وبنابراین، ابزارمهم‌سیاست خارجی وی است، وسعت می‌یابد.

آهنگ رشدتجارت جمهوری آفریقای جنوبی وژاپن درسالهای ۶۰ و ۷۰ به‌طور متوسط به‌میزان ۲۵ تا ۳۰ درصددرسال، خیلی سریع‌ترازآهنگ رشدتجارت این کشوربا سایرکشورهای امپریالیستی بوده است. ژاپن از ۱۹۷۳ درواردکردن کالاهای آفریقای جنوبی(۱۱/۵٪ کل صادرات آفریقای جنوبی در۱۹۷۶) مقام دوم و میان فروشندگان کالا به پرتوریا (پایتخت آفریقای جنوبی)، (۱۰/۲٪ واردات جمهوری آفریقای جنوبی) مقام چهارم دارد (فایننشل تایمز ۱۹۷۷).

جمهوری آفریقای جنوبی که صنعتی‌ترین کشورآفریقایی است با تولید بیش از ۴۰٪ مجموع ارزش مواد معدنی استخراجی، به‌نوبه‌ٔ خود اولین همکار ژاپن درآفریقاست. بیش از یک چهارم حجم تجارت ژاپن وآفریقا به‌جمهوری آفریقای جنوبی تعلق دارد. در ۱۹۷۶ صادرات آفریقای جنوبی به‌ژاپن ۷۰۷ میلیون دلارو وارداتش از ژاپن ۷۵۱ میلیون دلار بود (آفریقای نو، اوت ۱۹۷۷، صفحهٔ ۸۵۲).

ژاپن با پیشی گرفتن از انگلستان به‌تهیه‌کنندهٔ عمدهٔ اتوموبیل برای جمهوری آفریقای جنوبی بدل شده است. از ۱۹۷۴ جمهوری آفریقای جنوبی سومین بازارفروش اتوموبیل های ژاپن مخصوصا اتوموبیل های سواری است. مواد اولیه آفریقای جنوبی برای ژاپن اهمیت نمایانی، دارد. جمهوری آفریقای جنوبی نخستین فراهم‌آورندهٔ منگنزوکرم ویکی ازمهم‌ترین تهیه‌کنندگان شکر، پشم، ذرت وغیره برای ژاپن است.

روابط دوقدرت امپریالیستی برای جمهوری آفریقای جنوبی که درجهت ازمیان برداشتن محاصرهٔ اقتصادی وسیاسی تلاش می‌کند، فوایدعظیمی دارد. ژاپن یکی از خریداران اصلی مواد اولیهٔ کشاورزی و معدنی آفریقای جنوبی است. اگرجمهوری آفریقای جنوبی برای فروش این محصولات به‌منابع دیگر، مخصوصا منابع آفریقایی رجوع می‌نمود، با مشکلات فراوانی روبرو بود.

توسعهٔ اقتصادی ژاپن دردههٔ ۷۰ وسعت ویژه‌ای پیدا کرده است. چنانکه از ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ حجم‌تجارت ژاپن وآفریقای جنوبی پنج‌برابر ودرفاصلهٔ ۱۹۷۰–۱۹۷۴ سه‌برابر شده است. این پیشرفت مدیون تصمیم‌حکومت پرتوریا درگسترش صنعتی کشوروناشی از "طرح‌صنعتی شدن" است. جمهوری آفریقای جنوبی برای اجرای این طرح‌به‌سرمایه‌گذاری ها ووام‌های خارجی نیازداشت که تضمینات لازم‌درتحویل مواد اولیه وعدم‌رعایت کامل قوانین حفاظت محیط زیست باعث جذب آنهامی‌شد.

دراین دوره است که انحصارات‌ژاپنی نفوذشان رادرآفریقای‌جنوبی شدت می‌دهند. در ۱۹۷۲ برای گسترش تجارت دو جانبه وتشویق واردات ازجمهوری آفریقای جنوبی کارزاروسیعی به‌راه می‌افتد. در حقیقت، مساله‌عبارت ازبرنامهٔ اقرار نشده درزمینهٔ همکاری برای دههٔ ۷۰ بود مبتکراین برنامه ح. توبیاما مدیرکل ادارهٔ تجارت وتوسعه جنب وزارت تجارت خارجی، یعنی درحقیقت نمایندهٔ حکومت ژاپن بود. توبیاما به‌ستودن توسعهٔ تجارت قناعت نورزید. اوپیشنهادکرد که سطح آن "به‌منظورتامین نیازهای دوکشور و کمک به‌پیشرفت متقابل اقتصادی" اعتلا یابد.

این دعوت دامنه یافته است. امروز تجارت ژاپن وآفریقای‌جنوبی‌بیشتر به‌صورت سرمایه‌گذاری های مخفی ژاپن است. همانطورکه **فاینانشل میل** "روزنامه آفریقای جنوبی نوشت، تعیین این سرمایه‌گذاری ها درژاپن دشوار است، اما درحقیقت، شرکت های ژاپنی سرمایه‌گذاری هایشان رادرآفریقای جنوبی به طورقابل ملاحظه افزایش داده‌اند.

معروف‌ترین اسلوب سرمایه‌گذاری ازاین قرار است: شرکت های محلی که قطعات جداگانهٔ اتوموبیل را می‌فروشند سودهای حاصله رادرآفریقای جنوبی گرد می‌آورند. این وجوه به‌ایجاد شعبهٔ محلی که ازنظرحکومت ژاپن سرمایه‌گذاری مستقیم‌تلقی نمی‌شود، کمک می‌کند. روابط این شرکت با انحصارات ژاپن به‌صورت روابط تجارتی است ("صدوراجزاء وقطعات جداگانه"). این شرکت خیلی بیشتراز شعبه‌های معمولی انگلیسی یاآمریکایی سودمی‌برد.

صاحبان صنایع ژاپن ازراه‌های انحرافی دیگرنیزکه امکان می‌دهدسرمایه‌گذاری های مستقیم‌شان پوشیده‌بماند، سودمی‌جویند. تحویل لوازم‌وتجهیزات کامل، وام‌ها واعتبارات، کمک فنی وفروش لیسانس‌ها ازآن جمله است. علاوه‌براین چندشرکت ازطریق کمپانی های اروپا مثلا سوئیس درجمهوری آفریقای جنوبی سرمایه‌گذاری می‌کنند.

بانک های‌ژاپن منبع‌اصلی سرمایه‌گذاری راتشکیل می‌دهند. این بانک‌ها به‌وسیلهٔ شعبهٔ لندنی خود- بانک بین‌المللی ژاپن – وام‌های مهمی در اختیاردولت آفریقای جنوبی می‌گذارند آنها زیرفشاراعتراضات آفریقای مستقل ناچارشده‌انداین فعالیت ها رامعلق بگذارند. با وجوداین، دیری نمی‌گذردکه نه‌بانک ژاپنی به‌وسیلهٔ "اسلای تروركر سکورتیزاف سات آفریکا" ۲۰ میلیون دلاربرای اجرای طرح‌های صنعتی به جمهوری آفریقای جنوبی واگذارکرده‌اند.

هدف اساسی "برنامهٔ صنعتی‌کردن" تقویت زیرساختاررژیم‌نژادپرست است شرکت انحصارات ژاپن دراین کارچیزی جزپشتیبانی ازسیاست آپارتایدنیست. امپریالیسم‌ژاپن می‌کوشداین واقعیت رازیرپوشش شعارهای عوام‌فریبانه‌ای چون "اصلاح‌تدریجی آپارتاید" مستور نگاهدارد. رئیس "نیسشولوه" پنجمین شرکت تجارتی ژاپن باریاکاری اعلام داشته است که: اگراقتصادجمهوری آفریقای جنوبی گسترش یابدوصنعت آن پیشرفت کند، سرانجام سیاست نژادپرستانهٔ دولت آفریقای جنوبی تغییر خواهدکرد".

مشارکت انحصارات ژاپنی تنها به "برنامهٔ صنعتی کردن" جمهوری‌آفریقای جنوبی محدودنمی‌شود. به‌نوشتهٔ مجلهٔ لندنی "آفریکن دولوپمنت" آنها " در طرح‌های درازمدت رشدصنعتی آفریقای جنوبی نقش کلیدی ایفاء می‌کنند". مجله "سه‌شابا" ارگان کنگرهٔ ملی آفریقا ژاپن را "کشوراصلی سرمایه‌گذاردررشد اقتصادآپارتاید" توصیف کرده است.

سیستم‌همکاری انحصارات ژاپن با پرتوریا درزمینهٔ گسترش زیرساختار جمهوری آفریقای جنوبی به‌ترتیب زیر است: شرکتهای صنعتی ژاپن ماشین ها وتجهیزات لازم‌را برای ساختمان وبهره‌برداری ازموسسات تحویل می‌دهند. در عوض طبق موافقت نامه‌های درازمدت، موادمعدنی اولیه که تهیهٔ آنها ازجانب دولت پرتوریا تضمین شده، دریافت می‌دارند.

دراین موردساختمان بندرخلیج سالدانها راکه در ۱۹۷۳ شروع شد، مثال می‌زنیم. به‌نوشتهٔ مطبوعات آفریقای جنوبی یکی ازهدف های اصلی ساختمان این بندرتوسعهٔ روابط تجارتی واقتصادی باخاوردوردرجای اول باژاپن است این بندرمخصوص دریافت سنگ آهن و صادرات است. یک خط آهن این بندر را به‌معادن سی‌اسن (کالاهاری) که‌متعلق به گروه‌بندی انحصارات دولتی آفریقای جنوبی درذوب‌آهن وفولادریزی: ایسکور است، وصل می‌کند.

درنیمهٔ اول دههٔ ۷۰، نمایندگان ایسکوروانحصارات ذینفع ژاپن شکل‌های مشارکت این انحصارات رادرساختمان بندرمذکورچندین بارموردبحث وبررسی قراردادند. موضوع اصلی دراین مذاکرات دریافت لوازم‌وتجهیزات کامل دربرابر تحویل مواد اولیه بود. قراردادهای درازمدت که‌برای تحویل سنگ آهن و محصولات نیم‌ساخته منعقدگردید، ازآغاز سال ۱۹۷۶ به‌مدت ۱۲ تا ۱۵ سال جدول‌بندی شده است. اگراین تعهدات انجام شود، جمهوری آفریقای جنوبی به‌نخستین تهیه‌کنندهٔ سنگ آهن ژاپن تبدیل می‌گرددودراین مورداسترالیا راپشت سر می‌گذارد.

سوداگران ژاپن دراجرای طرح‌های دیگررشدجمهوری آفریقای جنوبی به همین ترتیب عمل می‌کنند: مانندساختمان یک بندر درخلیج ریچارد وراه‌آهنی که آن رابه‌معادن زغال سنگ "وتبانک" متصل می‌کند، بنه‌رسنت – کرووه‌برای صدورسنگ منگنزوساختمان یک مرکزبرق روی شط اورانژ. ازاین رودر ۱۹۷۳ درحالی که‌شرکت های متالورژیک وماهین سازی مشغول تهیهٔ تجهیزات لازم‌برای کارخانه‌های ورقه‌سازی فلزات وفولادریزی هستند، یک مولدبرای کارخانهٔ برق به دوکمپانی بزرگ الکتروتکنیک سفارش داده‌شد. گروه "میتسوبیی" مشغول ساختن یک کورهٔ بلند بادم‌اکسیژن برای‌کارخانهٔ متالورژیک ایسکوراست. این سودمندترین سفارشی‌است که جمهوری‌آفریقای جنوبی به‌آن مبادرت کرده است.

شرکت انحصارات ژاپنی درصنایع اتوموبیل، تبدیل موادساختمان موسسات دستگاه‌های برقی خانگی، الکترونیک، کالاهای کائوچویی وغیره‌آفریقای‌جنوبی پشتیبانی آشکارازرژیم‌آپارتایداست.

اکثریت این موسسات درمناطق زیست بومیان ساخته‌شده‌اند. حکومت پرتوریا ازشرکت های خارجی دعوت می‌کندکه ازاین موسسات برای کسب سودهای ویژه استفاده‌کنند. ظاهراکارخانه‌های ژاپنی همچون کارخانه‌های آفریقای جنوبی تلقی می‌شوندودربرابر "قانون مربوط به‌حقوق کارگران بومی" ازهمان مزایا برخوردارند. کارگران آفریقایی کارخانه‌های اتوموبیل سازی ژاپن از حق اعتصاب وعضویت درسندیکاها محروم‌اند. دستمزدشان به‌طورمحسوس بسیارکمتر ازکارگران کارخانه‌های آمریکایی‌است مثلا دستمزدکارگران آفریقایی "تویوتا" و "نیسان" به‌ترتیب ۶۵ و ۵۰ درصدکمتراز دستمزدکارگران آفریقایی "فورد" و "جنرال موتورز" است. دستمزدی که دو موسسهٔ آمریکایی موردا شاره به‌تصویب دولت آفریقای جنوبی به‌کارگران بومی می‌پردازند درحد "فقرقابل تحمل" است. واضح است که‌دستمزدکارگران بومی در موسسات ژاپنی حتی نمی‌تواندحداقل معیشت آنان راتامین نماید.

دراواسط دههٔ ۷۰، شرکت های اتوموبیل ژاپنی مهمترین موسسات بامشارکت سرمایهٔ خارجی درآفریقای جنوبی‌بودند "برنامهٔ صنعتی کردن" تولیدقطعات اتوموبیل رابرای مونتاژ درجمهوری آفریقای جنوبی‌به‌میزان ۶۰–۶۵ درصد بالامی‌برد، اما کارشناسان ملی عقیده دارندکه تولیدقطعات اتوموبیل "تویوتا" و "نیسان" بسیارپیچیده است‌وانگهی‌این شرکتها به‌هیچ‌وجه درمعرض این خطرقرار ندارندکه روزی شاهدنابودی موسساتشان درکشورآفریقای جنوبی باشند.

پس ازاتوموبیل، تولیدلاستیک (که تولیدشان درموسسات ژاپنی به‌میزان ۱۰–۱۵ درصداست) وسپس تولیددستگاه‌های برقی والکترونیک قراردارند. درآغاز دههٔ ۷۰، مونتاژرادیوی اتوموبیل ها ("هیتاچی") درآفریقای جنوبی شروع‌شد. دراواسط دههٔ ۷۰ شرکتهای ژاپنی درکشور مذکوربه‌تولیدتلویزیون سیاه وسفید، رنگی‌ودستگاه‌های برقی منازل پرداختند آنها باشرکتهای غربی به‌شدت رقابت می‌کنندوازاین رو، موافقت خودرادرکمک فنی به‌جمهوری آفریقای جنوبی برای تولیدملی تلویزیون رنگی اعلام‌داشته‌اند. درزمینهٔ ماشین سازی بایدگفت که ژاپن بطورعمده به‌تهیهٔ تجهیزات‌وماشین‌های ابزارمی‌پردازد.

شرکتهای ژاپنی دوش به‌دوش‌شرکت‌های انگلیسی، آمریکایی وسایرین در گسترش شاخه‌های سنتی اقتصادآفریقای جنوبی: صنایع معدن وکشاورزی که شدیدترین شکل استثمارجمعیت آفریقایی درآنها حفظ شده است، شرکت می‌کنند. سودهای حاصله ازفروش طلا، پلاتین، کیمرم و محصولات کشاورزی: ذرت، شکر، کتان، پشم‌به‌ژاپن به‌طورمحسوس موجب غنی‌شدن بودجهٔ پرتوریا گردیده است.

میان موافقت نامه‌های درازمدتی که‌بین ژاپن وجمهوری آفریقای جنوبی دردههٔ ۷۰ درزمینهٔ خریدمواداولیه معدنی منعقدگردید، قراردادهای وارد کردن اورانیوم‌معنای ویژه‌ای دارد.

جمهوری آفریقای جنوبی ونامیبیا که ازجانب وی اشغال شده ۲۶٪ذخایر جهانی اورانیوم‌رادردست دارند. اگرچه پرتوریا هیچ‌خبری دربارهٔ فروش مواد معدنی منتشرنمی‌کند، درتوکیواعلام‌شد که‌شرکتهای انرژی ژاپنی درآفریقای جنوبی تقریبا نیمی‌ازاورانیوم‌موردنیاز کشورشان راخریداری کرده‌وبرای غنی کردن به‌آمریکا فرستاده‌اند.

انحصارات ژاپن وجمهوری آفریقای جنوبی چندین موافقت نامهٔ درازمدت در زمینهٔ واردکردن اورانیوم (نزدیک به ۴۰۰۰۰ تن در فاصلهٔ ۱۹۷۵ و ۱۹۸۵) منعقدکرده‌اند. یکی‌ازاین قراردادها به‌ژاپن امکان می‌دهدکه ۸۲۰۰ تن اورانیوم کیفیت‌عالی که‌درنامیبیا ازمعادن روسینگ متعلق به‌شرکت انگلیسی "ریوتینتوزینک کورپوراشن" باشرکت‌آفریقای جنوبی استخراج‌می‌شود، واردکند. این معامله‌نقض آشکارتصمیمات سازمان ملل متحددربارهٔ نامیبیاست وآن رابایدبه عنوان پشتیبانی‌عملی ازسیاست جمهوری آفریقای جنوبی تلقی نمودکه بطورغیرقانونی این کشوررابه‌اشغال خود درآورده است. دولت ژاپن علی‌رغم‌تقاضاهای

صفحه ۵

سیستم استثمار بازار مشترک

می‌دانیم که آزادی سیاسی در آفریقا همه جا به معنای زدودن یوغ امپریالیسم نیست. کشورهای غربی غالبا با اصلاح اسلوب های نواستعماری تلاش می‌کنند، کوشش هایشان را در استثمار دولت های آفریقایی هماهنگ سازند و گرایش های ضدامپریالیستی را از میان بردارند.

جامعهٔ اقتصادی اروپا فعالیت وسیعی را در آفریقا سازمان داده است. قبلا موافقت نامه‌های ۱۹۵۷ رم در زمینهٔ ایجاد بازار مشترک، شرکت مستعمرات آفریقایی فرانسه و بلژیک را که هنوز آزاد نشده بودند در جامعهٔ اقتصادی پیش‌بینی کرده بود. از آغاز دههٔ ۶۰ که کشورهای آفریقایی یکی پس از دیگری به استقلال رسیدند، جامعهٔ اقتصادی به تدوین قرارداد ویژه‌ای پرداخت که این کشورها را در شرایط نوین استثمار نماید. این قرارداد در ۱۹۶۳ در **یااونده** پایتخت **کامرون** انتشار یافت.

با وجود مضمون کاملا نواستعماری این قرارداد، در پایان دههٔ ۶۰ چندین مستعمرهٔ سابق انگلستان در آفریقای شرقی به این قرارداد پیوستند. براساس موافقت نامهٔ **آروشا** (۱۹۶۹)، جامعهٔ اقتصادی اروپا در تجارت با کشورهایی چون **کنیا**، **اوگاندا** و **تانزانیا** برخی امتیازات کسب نمود. انگلستان، متروپل سابق کشورهای مذکور که در ۱۹۷۳ وارد بازار مشترک شد در گسترش اشکال جمعی استعمار نو سهم فعال تری پیدا کرد.

بعد، برخی از مستملکات پیشین بریتانیا در مناطق دیگر به کشورهای آفریقایی پیوستند. در ۱۹۷۵، در پایتخت **توگو** نخستین قرارداد **لومه** برای سالهای ۱۹۷۶ – ۱۹۸۰ امضاء شد. ۹ کشور جامعهٔ اقتصادی اروپا و ۴۶ کشور شریک آفریقایی حوزهٔ کارائیب و اقیانوس آرام (آ.س.پ) به قرارداد مذکور ملحق شدند.

کشورهای در راه رشد در مذاکراتی که پیش از امضای قرارداد انجام گرفت، نظر خود را دربارهٔ روابط شان با کشورهای صنعتی سرمایه‌داری براساس برابری کامل حقوق اعلام داشتند. جامعهٔ اقتصادی اروپا برای حفظ خصلت "**ویژهٔ**" روابط خود با آفریقا تصمیم گرفت برخی از درخواست های آنها را اجابت کند. علت این "**عقب نشینی**" به دلیل بحران ها و نیاز فراوان به انرژی و مواد اولیه بوده است. در حال حاضر اروپای غربی در این زمینه‌ها بیش از پیش خود را به منابع طبیعی قارهٔ آفریقا وابسته می‌بیند.

با این که قرارداد **یااونده** رژیم ترجیحی را اساس تجارت قرار داده بود، اولین قرارداد **لومه** از این اصل صرفنظر کرد و قرار شد بسیاری از کالاهای کشورهای شریک بدون مانع و مستقل از درجه‌بندی این یا آن کالا وارد بازارهای جامعهٔ اقتصادی اروپا شوند. یک صندوق درآمد نیز بوجود آمد که صدور برخی محصولات کشاورزی کشورهای آفریقایی را تضمین نماید. قرارداد مذکور توسعهٔ کمک **جامعه** به شرکاء، همکاری صنعتی وغیره را پیش‌بینی کرده است.

نخستین قرارداد **لومه** در فوریهٔ ۱۹۸۰ پایان یافت. در آن موقع تایید شد که کشورهای آفریقایی، حوزهٔ کارائیب و اقیانوس آرام از طرز کار رژیم برقرار شده بطور جدی ناراضی اند. کشورهای مذکور در همکاری با جامعهٔ اقتصادی اروپا انتظار داشتند، شرایطی پدید می‌آید که به آنها امکان خواهد داد، در برابر تورم، قیمت های بالای نفت، موقعیت های مخرب سیستم پولی و مالی بین‌المللی و ناپایداری ارزش های مبادله مقاومت کنند. اما در عمل ثابت شد که این انتظارات بیهوده بوده است. فاصلهٔ بین قیمت های مواد اولیه کشورهای آفریقایی، حوزهٔ کارائیب و اقیانوس آرام و قیمت های گزاف کالاهای صنعتی موردنیاز این کشورها که در غرب ساخته می‌شود، نه تنها کاهش نیافته بلکه روزبروز افزایش می‌یابد. جامعهٔ اقتصادی اروپا محدودیت های آشکاری برای صادرات برخی مواد کشاورزی، در جای نخست صدور شکر کشورهای مذکور را به غرب لغو نکرده است. **به ارزیابی کلوپ دورم کلیهٔ کشورهای در راه رشد به علت توزیع نابرابر درآمدهای حاصله از صادرات منابع طبیعی به قیمت غیرعادلانه و موانع تجارتی، دقیقا در سال ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار از دست می‌دهند.**

امتیازاتی که جامعهٔ اقتصادی اروپا در موقع امضای قرارداد **لومه** قائل شد، به هیچ وجه وضع کشورهای در راه رشد را که به عنوان منبع مواد اولیه غرب در آن شرکت می‌کنند، تغییر نداده است. بنا به ارزیابی کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای آفریقا در ۱۹۷۹ قارهٔ سیاه به غرب ۲۶ میلیارد دلار وامدار است. قرضهٔ خارجی مانع از آن است که کشورهای در راه رشد طرح‌های خود را اعتلاء دهند: زیرا تنها پرداخت سودهای این قرضه‌ها سهم قابل ملاحظه‌ای از درآمدهای صادرات را می‌بلعد.

دومین قرارداد **لومه** که در ۱۹۷۹ بین ۹ کشور اروپای غربی و ۵۷ کشور آفریقایی حوزهٔ کارائیب و اقیانوس آرام به امضاء رسید، هیچ دورنمای روشنی به روی کشورهای در راه رشد نگشوده است. این کشورها نتوانستند به بسیاری از مطالبات جدید خود دست یابند. مجلهٔ بازار مشترک یادآور شده است که "**کشورهای آفریقایی، حوزهٔ کارائیب و اقیانوس آرام علیرغم برخی امتیازات تجارتی و مالی در فقر خود باقی خواهند ماند**". موانع صدور برخی محصولات کشاورزی آفریقا به کشورهای عضو جامعهٔ اقتصادی اروپا از میان نرفته است. در عوض کشورهای نه‌گانه این امتیاز را به دست آوردند که سرمایه‌گذاری های اروپای غربی را در صنایع معدن آفریقایی افزایش دهند. همانطور که آفریقای جوان خاطرنشان ساخت، اروپای غربی که از لحاظ تهیهٔ مواد معدنی وسیعا به آفریقا وابسته است "**شدیدا روی تاثیرات سیستم جدید حساب می‌کند**".

رقابت های آزمندانه

مکانیسم جامعهٔ اقتصادی به کشورهای اروپای غربی این امکان را می‌دهد که مواضع شان را در مذاکرات چندجانبه با کشورهای در راه رشد هماهنگ سازند. با وجود این، این سیستم مانع از آن نیست که هریک از آنها در فکر تامین منافع خاص خود باشند. انگلستان، فرانسه و بلژیک ضمن حفظ مواضع کاملا محکم شان در اغلب مستملکات پیشین خود در آفریقا می‌کوشند تا آنجا که ممکن است در قلمروهای سنتی نفوذ یکدیگر رسوخ نمایند. افزایش فعالیت های انحصارات آلمان غربی در قارهٔ آفریقا مبارزه در درون جامعهٔ اقتصادی را شدت داده است. این واقعیت مخصوصا نشان می‌دهد که چرا هریک از اعضای جامعه و در جای نخست جمهوری فدرال آلمان، فرانسه و انگلستان خود را علاقمند به حفظ کنترل فعالیت سازمان‌های رهبری جامعهٔ اقتصادی اروپا نشان می‌دهند.

واقعیت این است که انحصارات پیچیدهٔ دولتی به مکانیسم روابط فیمابین جامعهٔ اقتصادی و بسیاری کشورهای در راه رشد به مثابه ابزاری برای تامین منافع خاص شان می‌نگرند. این ارزیابی از دو نظریهٔ - منطقه‌ای و جهانی - سیاست اقتصادی خارجی جامعهٔ اقتصادی اروپا مایه می‌گیرد. هواداران نظریهٔ منطقه‌ای که دور کشورهای آفریقایی حلقه زده‌اند نخست فرانسه و بلژیک هستند که موفق شده‌اند مواضع شان را در مستعمرات پیشین آفریقایی خود حفظ کنند. انگلستان و هلند از نظریهٔ جهانی پشتیبانی می‌کنند هدف فعالیت های آنها کشورهایی است که منافع اقتصادی شان در آنها بطور قابل ملاحظه حفظ شده است.

درحقیقت به کوشش ها و دقت های انگلستان بود که آنها بسیاری از کشورهای آفریقایی، چندین کشور حوزهٔ کارائیب و اقیانوس آرام را به اعضای کنوانسیون **لومه** ملحق کردند. با وجود این، هواداران نظریهٔ منطقه‌ای با عضویت کشورهایی چون هند، پاکستان و بنگلادش که بخشی از امپراتوری استعماری بریتانیا بودند و هم مخصوصا به خاطر حجم بسیار زیاد این کشورها، مخالف اند. با این همه، کشورهایی چون **سری لانکا** در تجارت با جامعهٔ اقتصادی اروپا نسبت به سایر کشورهای غیرعضو از امتیازات معینی برخوردارند. به هرحال اکنون روی آوردن به آفریقا جنبهٔ مسلط دارد همکاری جامعهٔ اقتصادی اروپا و کشورهای آفریقایی با مواضع اروپای غربی در رقابت با دیگر مراکز امپریالیستی: آمریکای شمالی و ژاپن نه تنها در آفریقا بلکه در مناطق دیگر نیز مطابقت دارد.

اهرم‌های سیاسی

هدف اساسی سیاست بازار مشترک در کشورهای در راه رشد تامین تدارک مواد اولیه ارزان قیمت است. علاوه براین، محافل امپریالیستی از وابستگی اقتصادی این کشورها برای نفوذ سیاسی بهره‌برداری می‌کنند.

براساس پیشنهاد انگلستان و هلند ۹ دولت کوشیدند در متن دومین قرارداد **لومه** جمله‌ای بگنجانند مبنی براین که کمک اقتصادی به کشورهای در راه رشد منوط به احترام آنها به حقوق بشر به تفسیر ایدئولوگ ها و سیاستمداران بورژوایی است. نمایندگان کشورهای آفریقایی، حوزهٔ کارائیب و اقیانوس آرام به این پیشنهاد وقعی ننهادند و آنرا بحق کوششی برای مداخله بی‌شرمانه در امور داخلی خود تلقی کردند.

به هیچ وجه تصادفی نیست که در اواسط دههٔ ۷۰ در اروپای غربی لب به سرزنش باز کردند که چرا دولتهای عضو جامعهٔ اقتصادی اروپا کاملا نتوانستند از "طعمهٔ "همکاری اقتصادی برای حفظ نفوذ سیاسی غرب در مستعمرات پیشین پرتقال: آنگولا و موزامبیک استفاده کنند.

این نمونهٔ گویایی است که آفریقای مستقل نمی‌تواند به سادگی از کنار آن بگذرد. ۹ کشور جامعهٔ اقتصادی اروپای غربی کوشیده‌اند از انعقاد موافقتنامه دربارهٔ همکاری تجارتی و اقتصادی بین جامعهٔ اقتصادی اروپا و کشورهای عضو پیمان جنوب شرقی آسیا مستقیما به نتایج سیاسی برسند. وزیران امورخارجه کشورهای عضو پیمان جنوب شرقی آسیا در موقع امضای این موافقت نامه اعلامیه‌ای صادر کردند که به تحریف رویدادهای افغانستان و کامبوچیا پرداخته است.

از این رو، تامین و تقویت استقلال اقتصادی، فروریختن سیادت سرمایه خارجی و ریشه کن کردن سیستم استثمار امپریالیستی از وظایف مبرم کشورهای در راه رشد است. در شرایط کنونی آنها می‌توانند برخی از خواستهای خود را به کشورهای سرمایه‌داری بقبولانند. با وجود این، همانطور که تجربه نشان داد، سیستم "**ترجیحی**" در رابطه با قدرت های غربی کاملا معیوب و زیانمند است. زیرا این نوع روابط شکلی از نئوکلونیالیسم است و براین اساس نمی‌توانند به استقلال اقتصادی و بالمآل استقلال سیاسی کشورهای در راه رشد خدمت نمایند.

●●●

انحصارات ژاپن...

ضد استعمار و ضد نژادپرست کمک بشردوستانه و حمایتگرانه بنماید"، با این همه بی‌آنکه احتیاط را از دست بدهد گفت: **"البته ژاپن نمی‌تواند هیچ نوع کمک نظامی یا مادی در این زمینه به عمل آورد"**.

با وجود این، ژاپن در "**وفا**" به وعده‌های پرزرق و برق خود در "**کمک**" به جنبش های رهایی بخش ملی، به صندوق سازمان ملل متحد ویژهٔ جمعیت بومی آفریقای جنوبی به شرح زیر کمک کرده است: ۲۰۰۰۰ دلار برای برنامهٔ تربیت فنی و حرفه‌ای شهروندان جمهوری آفریقای جنوبی، ۱۰۰۰۰ دلار به صندوق قیمومت و ۱۰۰۰۰ دلار به صندوق **نامیبیا**. مقایسهٔ این "**پیشکشی**"های ناچیز با سودهایی که شرکتهای ژاپنی از آفریقای جنوبی به چنگ می‌آورند، ماهیت این بذل و بخشش‌های عوامفریبانه را آشکار می‌کند.

موضع محافل رهبری ژاپن که در جستجوی وسایلی برای کسب سودهایی برای انحصارات "**خود**" هستند از جانب "**فار استرن اکونومیک ریویو**" به روشنی مشخص شده است. **"آنها برای یک نامیبیای مستقل حتی یک جمهوری آفریقای جنوبی سیاه که در خدمت کارفرمایان باشد، رای خواهند داد". اگر غیر از این باشد، آنها ترجیح خواهند داد از رژیم نژادپرست پرتوریا پشتیبانی کنند.**

دولت ژاپن تاکید می‌کند که او سرمایه‌گذاری های مستقیم را در جمهوری آفریقای جنوبی قدغن کرده است. در صورتی که حجم آن دائم فزونی می‌یابد. در تابستان ۱۹۷۴ وزارت امورخارجه این کشور اعلام کرد که طبق دعوت سازمان ملل متحد به نمایندگان ورزشی، فرهنگی و دانشگاهی آفریقای جنوبی ویزای ورود نخواهد داد. اما این قدغن شامل توریست‌ها و کارفرمایان نشده است. از بهار ۱۹۷۵ بانکهای ژاپن برای شرکتهای آفریقای جنوبی در واردکردن تجهیزات کامل ژاپن دیگر اعتبارات دراز مدت افتتاح نمی‌کنند، اما این اقدام فقط پس از انعقاد معاملات بلندمدت به ارزش چندین میلیون اتخاذ شده است.

در این جا بجاست با مجله "**سه شابا**" همرای شویم که نوشته است: **"ژست های همبستگی ژاپن با آفریقایی ها چیزی جز تلاش برای روپوشی اتحاد وی با دشمنان آفریقا نیست"**.

●●●

"اتحاد مردم"
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمود اعتمادزاده (م. ا. به‌آذین)
سردبیر: محمدتقی برومند
آدرس: خیابان سزاوار شمارهٔ ۱۸۹
تلفن: ۶۴۴۳۸۴
چاپ کاویان – تلفن: ۳۱۶۲۰۹

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نخستین انقلاب پیروزمند ضد امپریالیسم جهان

سرمایه‌داری مخصوصا درمرحلهٔ رشد امپریالیستی خود سراسر تمدن بشریت را به انحطاط و بن‌بست کشید. دراین دوره، بشریت با مسالهٔ حیاتی محو استثمار و ستم در همهٔ اشکال آن و مهار کردن جنگ های جهانی و کشتار جمعی روبرو بود. حل این وظیفه تاریخی به سبب جمع آمدن کلیهٔ شرایط عینی و ذهنی درسرزمین روسیه به طبقهٔ انقلابی کارگر این کشور سپرده شد.

طبقهٔ کارگر روسیه تحت رهبری حزب پیشاهنگ و کارآزمودهٔ خود رسالت ایجاد شکاف عظیم در جبههٔ مسلط استثمار جهانی سرمایه‌داری را به عهده گرفت و ناقوس نجات بشریت را از ظلم و استبداد قرن ها اسارت به صدا درآورد. جنبش‌های رهایی بخش جهانی امیدهایش را درچهرهٔ روشن لنین و انقلاب اکتبر یافت. بی‌جهت نبود که پس از سرنگونی قدرت استثمارگران درسرزمین روسیه و استقرار حاکمیت سیاسی پرولتاریای انقلابی روسیه واژگون کردن فرمانروایی استثمارگران امکان پذیر شد.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که ارمغان تکامل تاریخ و جسارت طبقهٔ کارگر روسیه تحت رهبری بصیرانه و هوشمندانهٔ لنین بود، دژ اهریمنی امپریالیسم جهانی را برای هموار کردن یورش جمعی انقلاب های خلقی و رهایی بخش به آن از هم شکافت.

این پیروزی پرولتاریای روس، با نام ولادیمیر ایلیچ لنین قرین است. تاریخ کاملا پیش بینی وی را تایید نمود که سایر خلقها به دنبال طبقهٔ کارگر روسیه راه انقلاب کبیر اکتبر را درنبرد با امپریالیسم و نظام استثمارگر سرمایه‌داری طی خواهند کرد. ویژگی جهانشمول بودن انقلاب اکتبر درهمین است.

فتح نمایان خلق زحمتکش روسیه پس از ۶۳ سال در سیمای تابناک نظام انسانی سوسیالیستی و انترناسیونالیسم انقلابی کشور شوراها با درخشش فزاینده‌ای متبلور است..

دستاوردهای عظیم این خلق را می‌توان در همهٔ عرصه‌های پیشرفت های انقلابی، علم، تکنیک، فرهنگ انسانی، اخلاق خویشتن دارانه و فداکاری های عاری از عُجب و شائبه‌های استثمار در همه جا برای العین دید و لمس نمود. به همین جهت مساله اهمیت تاریخی این انقلاب مفهوم جدیدی پیدا کرده است. و به حق می‌توان گفت:

"قرن ها خواهند گذشت، بشریت به قله‌های بس رفیعی دست خواهد یافت که از جسورانه‌ترین تصور معاصرین مافرا تر است. حوادث زیادی از یاد خواهند رفت. اما ۷ نوامبر ۱۹۱۷، روزیکه نخستین انقلاب پیروزمند سوسیالیستی بوقوع پیوست، برای همیشه در یاد نسلهای آینده زنده خواهد ماند".

انقلاب اکتبر بانی محو استثمار انسان از انسان

انقلاب سوسیالیستی درروسیه آغاز رهایی توده‌های خلق را از یوغ استثمار، ستم اجتماعی و ملی ثابت نمود. حاکمیت سیاسی طبقهٔ کارگر پس از استقرار در سرزمین روسیه مالکیت ارضی را از بین برد، زمین را در اختیار دهقانان زحمتکش قرار داد، بانکها و کارخانه‌ها و وسایل عمدهٔ تولید و حمل و نقل را ملی کرد. پس از انقلاب، سرمایه‌داران و اشراف زمین دار حاکمیت سیاسی و ابزار اقتصادی فرمانروایی‌شان را از دست دادند.

طبقهٔ کارگر که رهبری و هدایت جامعه را درمقیاس دولتی به عهده گرفت با روحیه‌ای انقلابی تولید اجتماعی را براساس کار جمعی و مالکیت جمعی بر وسایل تولید سازمان داد. برای نخستین بار در تاریخ کار انسان از هرنوع جبر و وابستگی اقتصادی آزاد شد. کارگران و کارمندان امکان یافتند در موسسات دولتی متعلق به عموم خلق کار کنند و براساس کمیت و کیفیت واقعی کار خود مزد بگیرند. دهقانان زحمتکش توانستند رفته رفته به فواید کار جمعی و مالکیت جمعی یقین پیدا کنند و به تدریج اشکال جدید فعالیت اقتصادی را بر پایهٔ اصل جمعی کار و تولید فرا گیرند.

بر این اساس، شیوهٔ تولید سوسیالیستی درشهرها در صنعت و درروستاها، در اقتصاد روستایی برقرار گردید. اصل اساسی سوسیالیسم: **"از هرکس به اندازهٔ استعدادش و به هر کس به اندازهٔ کارش"** در زندگی اجتماعی و اقتصادی مورد تایید قرار گرفت درشرایط رژیم سوسیالیستی، مردم شوروی برعقب ماندگی فنی و اقتصادی کشور فائق آمدند و به سطح عالی رشد اقتصادی، علمی و فرهنگی ارتقاء یافتند.

انقلاب اکتبر پیشرفت تاریخی را تسریع نمود و بنا به ماهیت خلقی خود وسیع‌ترین قشرهای زحمتکش را به کار آگاهانه و فعالانه جلب نمود. البته همهٔ رویدادهای عظیم انقلابی گذشته به دست ارادهٔ توده‌های خلق به وقوع پیوسته است، اما خوشه چینان انقلاب طبقات استثمارگر بوده‌اند. خوشه چینان دستاوردهای انقلاب اکتبر کارگران، دهقانان و روشنفکران وابسته به آنها هستند. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ زحمتکشان شوروی — کارگران، دهقانان و روشنفکران آنها — را به رهبران و مدیران واقعی جامعه بدل نمود.

نخستین سند انقلاب خصلت واقعا خلقی آن را تایید می‌کند. ۷ نوامبر (۲۵ اکتبر) لنین دعوت تاریخی خود را خطاب به شهروندان روسیه نگاشت (این سند به امضای کمیتهٔ انقلابی نظامی پتروگراد رسید). دراین سند می‌خوانیم:

"امری که خلق برای آن مبارزه نموده از این قرار است: پیشنهاد فوری صلح دموکراتیک، لغو حق مالکیت زمینداران، کنترل کارگری تولید، ایجاد حکومت شوراها، این امر اکنون تحقق یافته است".

راهی که خلق زحمتکش شوروی طی نمود راهی البته هموار نبوده است. خلق شوروی می‌بایست این راه را در شرایط محاصرهٔ شدید اقتصادی و نظامی جهانخواران سرمایه و تحمل دو جنگ جهانی امپریالیستی وجب به وجب بسنجد و بیازماید و پس از اطمینان درآن گام نهد. خلق قهرمان شوروی با الهام از آرمان های پیروزمند اکتبر به خاطر نجات سرزمین انقلاب و تمامی بشریت از طاعون فاشیسم هیتلری **۲۰ میلیون شهید** داد.

این خلق با تلاش عظیم خود در ساختمان سوسیالیسم پیشرفته، زرادخانهٔ غول آسای اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی اردوگاه سوسیالیسم را درپیوند با انقلاب جهانی به وجود آورده است.

انقلاب اکتبر منشاء انترناسیونالیسم سوسیالیستی

پشتیبانی بیدریغ سرزمین انقلاب اکتبر از نهضت‌های انقلابی و رهایی بخش ملی جهان درنبرد با ادبار امپریالیسم از خط مشی استوار انترناسیونالیسم سوسیالیستی وی الهام می‌گیرد.

لنین درتصویر روشن این انترناسیونالیسم، پیوند ناگزیر سه جریان جنبش انقلابی ضرورت این همپیوندرا پرهیز ناپذیر می‌دانسته است، او می‌گفت: منافع طبقهٔ پرولتاریا با منافع جنبش های رهایی بخش ملی درکشورهای مستعمره و وابسته مطابقت دارد: مبارزه خلقهای مشرق برای آزادی خویش تنها درپیوند مستقیم با مبارزهٔ انقلابی جمهوری جوان شوراها برضد امپریالیسم جهانی می‌تواند پیروز شود. درعین حال، پرولتاریا هم به تنهایی نمی‌تواند گذار انقلابی از سرمایه‌داری به نظم نوین اجتماعی را درمقیاس ملی و بین المللی به انجام رساند. **"یقین است که تنها پرولتاریای همهٔ کشورهای پیشرفته می‌تواند پیروزی قطعی به دست آورد، و ما روس ها به کاری مبادرت می‌کنیم که پرولتاریای انگلیس، فرانسه یا آلمان آن را به پایان خواهند رساند. اما این واقعیت را تمیز میدهیم که آنها بدون کمک توده‌های زحمتکش همهٔ خلقهای ستمدیدهٔ مستعمرات، درجای نخست خلقهای مشرق پیروز نخواهند شد"**. (لنین، آثار ج ۳۰ ص ۱۶۰). بنابراین، اتحاد و وحدت عمل زحمتکشان مستعمرات کشورهای وابسته و طبقهٔ کارگر کشورهای پیشرفته یکی از شرایط اساسی امکان مبارزه کامیابانه با امپریالیسم برای دگرگونی انقلابی جهان بر پایهٔ نوین و سوسیالیستی است.

تاریخ درستی پیش بینی لنین را درزمینهٔ ضرورت وحدت و یگانگی پرهیزناپذیر نیروهای انقلابی جهان — طبقهٔ کارگر و جنبش های رهایی بخش ملی — درمبارزه با امپریالیسم و استثمار ثابت نمود. طی ۶ دهه بیش از ۹۰ مستعمره و نیمه مستعمره به استقلال سیاسی دست یافته اند. سیستم استعماری **"کلاسیک"** امپریالیسم زیر ضربهٔ جنبش رهایی بخش ملی درهم نوردیده شده است. کشورهای جوان مواضع خود را درسیاست و اقتصاد جهانی تحکیم می‌بخشید. آنها درروابط کنونی بین المللی بسیار فعال شده‌اند.

کمک همه جانبهٔ اردوگاه سوسیالیسم و در راس آن اتحاد شوروی به کشورهای نواستقلال و جنبش های رهایی بخش ملی زمینهٔ سرکوب انقلابات رهایی بخش را بسیار محدود و درموارد معین ناممکن کرده است. دفاع بلامنازع از جنبش‌های رهایی بخش ملی و رستاخیز خلقها نمونهٔ گویایی از تجلی انترناسیونالیسم سوسیالیستی اردوگاه جهانی سوسیالیسم است.

حمایت بی شائبه از خلق سوریه، نهضت آزادی بخش فلسطین، جمهوری دموکراتیک یمن، الجزایر، لیبی، آنگولا، اتیوپی، موزامبیک، کوبا، افغانستان، نهضت رهایی بخش خلق نامیبیا و ده‌ها نمونهٔ دیگر پیوند ناگسستنی جنبش جهانی کارگری و رستاخیز خلقها را نشان می‌دهد.

به موهبت برخورداری کشورهای نواستقلال از کمک مالی، فنی، اقتصادی کشورهای سوسیالیستی به ویژه اتحاد شوروی، مناسبات اقتصادی، سیاسی کشورها دستخوش تغییرات عظیمی شده است.

راه اکتبر راه نابودی قطعی امپریالیسم، راه ریشه کن شدن استثمار انسان از انسان و راه سعادت پایندگی معنوی و مادی بشریت درروی زمین است. انترناسیونالیسم این انقلاب شعله‌ای است که هرگز خاموش نخواهد شد.

این انترناسیونالیسم درخدمت همهٔ نیروهای انقلابی جهان قرار دارد و بی‌ادعا و فروتنانه علیرغم پردهٔ دودآگینی که امپریالیسم و تبلیغات مسموم آن ایجاد کرده سرزنش‌های خارمغیلان را درنیل به کعبهٔ رهایی همهٔ ملت ها به جان پذیرا می‌شود.

انحصارات ژاپن درهمکاری با نژادپرستان

سواپو و کمیتهٔ سازمان ملل متحد برای نامیبیا درلغو این قرارداد هیچ واکنشی از خود نشان نداده است.

شرکت ژاپن در رشد صنعت اتمی جمهوری آفریقای جنوبی و در اجرای "برنامه رشد مستقل" ادعایی انرژی اتمی یکی از قلمروهای همکاری ژاپن — آفریقای جنوبی است که برای آفریقا بسیار خطرناک و برای رژیم پرتوریا بسیار با اهمیت است. درنوامبر ۱۹۷۰ کمپانی آفریقای جنوبی اسکوم (گروه بندی انحصاری دولت برای انرژی) یک قرارداد درزمینهٔ همکاری برای ساختمان یک مرکز اتمی درنزدیکی کاپ با شرکت "میتسوبیشی" امضاء کرد. از ۱۹۷۳ مذاکرات پنهانی دربارهٔ طرح ساختمان کارخانهٔ غنی کردن اورانیوم به ارزش ۵۵۰ میلیون راند و به ظرفیت ۵۰۰۰ تن مواد معدنی درسال درجریان است. (در آوریل و مه ۱۹۷۳ نمایندگان کمیتهٔ انرژی اتمی جنب کیدافرن و نمایندگان انجمن صنایع ژاپنی انرژی اتمی از جمهوری آفریقای جنوبی بازدید کرده‌اند). اعلام شد که مذاکرات پیرامون امکان شرکت فنی و مالی ژاپنی ها درساختمان کارخانه براساس طرح مقدماتی مربوط به آغاز ۱۹۸۰ بوده است. سازمان انرژی ژاپن به این طرح توجه فراوان دارد: نخست برای این که تولید این موسسه محتملا بتواند جانشین اورانیوم آمریکا شود، دوم برای این که جمهوری آفریقای جنوبی ترجیح می‌دهد که از اسلوب جدید غنی کردن اورانیوم که در ژاپن بکار گرفته می‌شود و ۳۰% ارزانتر از اسلوب ایالات متحده و کانادا است، استفاده کند.

مجلهٔ "سه‌شابا" دربیان تشویش خود دربارهٔ گسترش صنعت اتمی جمهوری آفریقای جنوبی می‌نویسد: **"این جنبه هسته‌ای نمی‌تواند به ملاحظات نظم سیاسی و نظامی قابل توجیه باشد. این که سلاح هسته‌ای به عنوان یک اقدام نومیدانه برای نجات دولت آپارتاید مورد استفاده قرار گیرد به هیچ‌وجه منتفی نیست".**

چنانکه می‌دانیم در ۱۹۷۵ دربارهٔ همکاری هسته‌ای جمهوری فدرال آلمان و جمهوری آفریقای جنوبی سر و صدای فراوانی به راه افتاد. انحصارات ژاپن در رابطه با رژیم نژادپرست مخفیانه عمل می‌کنند. همهٔ آخبار مربوط به مشارکت آنها درصنایع اتمی آفریقای جنوبی پوشیده می‌ماند. در ۱۹۷۷ نمایندگان ژاپن از جمله ۱۳ نماینده کشورهای سرمایه‌داری بودند که برضد اخراج جمهوری آفریقای جنوبی از آژانس بین المللی انرژی هسته‌ای رای دادند. ژاپن، این کشور قربانی بمباران های هسته‌ای، با کمک به رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی درتشکیل قدرت هسته‌ای یکبار دیگر ثابت کرد که منافع سرمایه‌داران همه چیز را زیرپا می‌نهد.

ژاپن درعین حال می‌کوشد خود را در انظار خلقهای آفریقا خوب و ارزشمند جلوه دهد. درآوریل ۱۹۷۲ یک هیات نمایند جلوه دهد. درآوریل ۱۹۷۲ یک هیات نمایندگی از دولت ژاپن درخواست کرد حجم تجارتش را با جمهوری آفریقای جنوبی کاهش دهد و به جنبش رهایی بخش ملی آفریقا کمک کند. وزیر امور خارجهٔ ژاپن نیز وعده داد که "از کانال سازمان ملل متحد به رزمندگان

صفحه ۴

سرود برای آزادی

وطنم
گل خون
وشهیدانش ازحد بیرون

مابه راه توای آزادی
چه بهایی که نپرداخته‌ایم
تا به چنگت آریم
لالهٔ دل برکف
دوهزار و پانصد سال به هر برزن وکوگردیدیم

مادران
داغ فرزندان بردند به گور
شمعدانی‌ها در باغچه دق آوردند

بی تو ایران گل بی‌گلبرگی است
که دلی بازنخواهد شد درمنظرآن

پدرم می‌گوید
جوجهٔ لکلک پیری بود
که به سرشاخهٔ گلدستهٔ مسجدهامان
بال و پر رویاندی
از برادرهایم می‌شنوم
درشقایقهای خون شهیدان وطن بشکفتی

چه تفاوت دارد
تو زهرجا که فرازآمده‌ای
قدمت برچشمم

توهمان خورشیدی
که زمین را برکت می‌بخشی
وهزاران گل اندیشه زدل‌هامان می‌رویانی

ای همه زیبایی
نان سرسفرهٔ مردم نفس راحت شهر
در دل سنگرها
گونه‌هایت راگلگون‌ترکن
و دلاراتر بخرام که من
شررخشم خونین شهر
آهنین بازوی آبادان
نعرهٔ زهره شکاف همهٔ ایرانم
و به چنگ و دندان
پاس می‌دارمت ازدشمن
ای آزادی در وطنم.

آبان ۵۹

جعفر کوش آبادی

غفلت نکنیم

را با دولتهای واسطه یا باخود مقامات آمریکایی بدهد.

ولی، واقع‌بین باشیم. آیا می‌توان انتظار داشت که دولت جهانخوار آمریکا بتواند شرایط ما را صادقانه بپذیرد و به اجرا درآورد؟ درحقیقت، پیش از چنین کاری، آمریکا – دست‌کم در مورد ایران – باید دیگر آن آمریکایی که می‌شناسیم نباشد. باید – دست‌کم درمورد ما – سرشت استثمارگر وتجاوزپیشه وجنگ افروز خود را نفی کرده باشد. اما یک چنین خوشباوری دور از احتیاط است. آمریکا – نه امروز که کارتر شکست خورده هنوز درکاخ سفید است ونه دوماه دیگر که جای خودرا به ریگان خواهد سپرد – نمی‌توانند، برای رهایی پنجاه‌ودوتن جاسوس، سیاست امپریالیستی خودرا از اساس درهم بریزد و با تن دادن به شرایط ایران موجب شود که شبکهٔ تنگ اتحادیه‌های سیاسی ونظامی‌اش در آسیا و اروپا وآمریکای لاتین ازهم گسسته شود. برای این کار چیزی بیش از تغییر یک رئیس جمهور لازم است. تنها یک دگرگونی بنیادی، یک انقلاب، می‌تواند چنین تغییر جهتی را درسیاست آمریکا پدیدآورد، وتا جایی که می‌توان دید و داوری کرد، آمریکا ازاین مرحله هنوز دوراست.

آنچه منطقاً باید انتظار داشت آن است که مقامات واشنگتن، بی آن که به صراحت واز طریق رسمی شرایط ایران را رد کنند، تا آنجا که بتوانند در دادن پاسخ بدان تعلل ورزند، بعد هم با خواستن توضیحات وطرح پیشنهادهای متقابل یا پیش کشیدن تعارض فلان نکته با قانون ملی و قانون اساسی آمریکا، کار را به درازا بکشانند. دراین‌میان مانورهایی به عنوان مراجعه به شورای امنیت یا طرح شکایت در دادگاه بین‌المللی لاهه صورت خواهدگرفت وارکستر تبلیغاتی جهان باختر درباره ناسازگاری وزیاده‌طلبی جمهوری اسلامی ایران آهنگ‌های گله‌آمیز وکم‌کم خشم‌آلود سرخواهدداد تا آن موج امیدواری که با اعلام احتمال آزادی گروگانها درمیان مردم آمریکا پدیدآمده بود به نومیدی وکینه‌توزی بدل شود وتوده‌های فریب خورده برای تایید ماجراجویی‌های امپریالیستی برضد ایران آماده شوند. اینجا خطر بزرگی نهفته است. البته، ملت انقلابی ایران با فداکاریها وجانبازیهای خودنشان داده است که درپاسداری از استقلال وتمامیت ارضی کشور وبرای حفظ آزادیها وحقوق به‌دست آمده از رویارویی با هیچ‌خطر نمی‌هراسد. با این همه، لازم است که همهٔ موجبات معنوی ومادی پیروزی بردشمنی در مقیاس امپریالیسم جهانخوار آمریکا ومتحدان وسرسپردگانش به‌دقت فراهم آید. خواه امروز درجنگ با عراق متجاوز وخواه فردا که دیگرسگان دست‌آموز امپریالیسم درمنطقه به اشارهٔ آمریکا به یاریش بشتابند، تجهیز همهٔ نیروهای ملت ورهبری دقیق ودرست جنگ ضرورتی بدیهی است. همچنین است بصیرت درشناخت دشمن ودوست وبه کارگرفتن همهٔ امکانات برای نیل به پیروزی درچارچوب منافع کشوروانقلاب. سهل انگاری، دعوی‌بی‌نیازی وادامهٔ انحصار – گرایی مایهٔ جدایی و موجب ناتوانی است. ایران به اتحاد همهٔ نیروهای انقلابی وضدامپریالیستی نیازدارد. ایران به دوستی با اردوگاه صلح وسوسیالیسم، کشورهای غیرمتعهدوجنبش‌های استقلال‌طلبانهٔ سراسرجهان نیازدارد.

غفلت نکنیم■

ما دشمنیم با شیطان چه با کارتر چه ریگان

درجنگیم "امپریالیسم آمریکا را سدراه پیشرفت‌های اجتماعی، آزادی واستقلال سرزمین خودمیشناسندومی‌دانندتا زمانی که نفوذآمریکا باقی است، فقر، بیسوادی، درماندگی و وابستگی به انحصارات چندملیتی غارتگربرای همیشه باقی خواهدبود.

آمریکا با تجمع همهٔ قوای ابلیسی خوددراقیانوس هندوخلیج‌فارس وتجهیز همهٔ قدرت‌های شیطانی ومرتجع منطقه – شاه‌حسین‌ها، خالدها، قابوس‌ها و سادات‌ها وغیره – انقلاب خلقی ما را در محاصرهٔ اقتصادی، سیاسی ونظامی خود و اعوان وانصارش قرارداده است.

ملت قهرمان ما برای بیرون راندن این دیوسیاه ازمنطقه وادای این دین بزرگ خودبه انقلاب عظیم جهانی ورهایی خلقهای اسیراین سامان ازچنگ نفت‌خواران بین‌المللی یک دم ازمبارزه با "شیطان بزرگ" بازنخواهدایستاد وبه قول حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها:

"تا ایران هست وتا اسلام هست و آمریکای جهانخوارهست، باز هم برای همیشه آمریکا دشمن ماست، تمام تفنگها باید به‌سمت آمریکا نشانه برود"■

تشکیل دولت انقلابی السالوادور

جبههٔ انقلابی ودموکراتیک السالوادورکه احزاب وسازمان‌های اساسی مخالف دارودستهٔ نظامی کشورآمریکای مرکزی عضو آن هستند، تشکیل دولت انقلابی را اعلام‌کرد.

این اقدام بدون شک مهمترین مرحله درمبارزهٔ دلیرانهٔ میهن‌پرستان السالوادور در راه آزادی میهن است. رویدادهای السالوادورنشان می‌دهدکه دارودستهٔ نظامی که فقط درنتیجه استفاده ازکمک‌های نظامی ومالی آمریکا می‌تواندبه حکومت خودادامه بدهد، پشتیبانی مردم راکاملاً ازدست داده وزمامداری آن به‌زودی پایان خواهدیافت.

یک سازمان میهن‌پرست دیگر از نیروهای مسلح مقاومت ملی به جبههٔ انقلابی ودموکراتیک پیوست.

دولت انقلابی دریک ناحیهٔ آزاد شده درشمال السالوادور تشکیل شده و با اتکاء به ارگان‌های ملی خودگردانی که درآنجا تاسیس شده اقدام خواهد کرد. چنانکه انریکه آلوارس کوردووا رئیس جبههٔ انقلابی ودموکراتیک گفته است: "دولت مردم قیام کرده با انجام هیچگونه مذاکراتی با دارودسته نظامی که دست خودرا با خون مردم السالوادور آلوده ساخته است، موافقت نخواهدکرد". میهن‌پرستان ایستگاه رادیویی موندو در پایتخت رااشغال واعلامیه‌ای پخش‌کردند وطی آن اتحادتبهکارانهٔ دارودستهٔ نظامی وامپریالیسم ایالات متحده آمریکا راشدیداً محکوم ساخته ومردم السالوادور را به وحدت عمل دعوت کرده‌اند.

تشکیل دولت انقلابی باعث شدکه عملیات دسته‌های جبههٔ انقلابی‌ودموکراتیک به‌حدزیادی شدت یابد. آنها یک عده عملیات موفقیت‌آمیزعلیه نیروهای مسلح دارودستهٔ نظامی که زیر دست مستشاران نظامی آمریکایی قراردارند، انجام‌داده‌اند.

دراین میان واشنگتن ازرژیم محکوم شده همچنان پشتیبانی می‌کند. آمریکا بومیزان تحویل اسلحه برای دارودستهٔ نظامی می‌افزاید. ازبنادر کالیفرنیا دمبدم کشتی‌های تازه‌به‌تازه‌ای به‌طرف السالوادور رهسپار می‌شود. لاری دامفی یکی ازدست‌اندرکاران کمیتهٔ عدالت اجتماعی سانفرانسیسکو گفت: این کشتی‌ها حامل باروبنه نظامی ازجمله مهمات جنگی، گازاشک‌آور، اسلحه وتکنیک نظامی هستند.

به دستور واشنگتن باشتابزدگی یک قرارداد صلح میان السالوادورو هندوراس امضاء شد. هدف این قرارداد استفاده ازنیروهای مسلح به‌عنوان نیروهای سفاک وموجه‌نشان دادن حضور نیروهای مسلح بیگانه درخاک السالوادور است.

درعین حال واحدهای نظامی ویژه آمریکایی برای مبارزه با پارتیزان‌ها درپایگاه‌های نظامی آمریکا درفلوریدا ودرمنطقهٔ آبراه پاناما وبرخی ازکشورهای آمریکای مرکزی کاملاً به‌حال آماده باش درآمده‌اند. درنزدیکی سواحل السالوادورتعدادی ناوجنگی آمریکا پدیدارشده‌اند. جراید آمریکای لاتین با نگرانی می‌نویسند: آمریکا برای نجات دارودستهٔ نظامی السالوادورآماده‌است به انجام اقدام‌های افراطی ازجمله به تجاوزنظامی مستقیم دست بزند.

جبههٔ انقلابی ودموکراتیک السالوادور به این مناسبت اعلام‌کردکه میهن پرستان عزم راسخ‌دارندمداخلهٔ مسلحانهٔ آمریکا رادفع کنندوبه‌خاطرآزادی میهن تاآخر مبارزه خواهندکرد■

شرکت فعال درجنگ عادلانه برضد دولت متجاوز عراق یک وظیفه انقلابی است!